

مهاجرت چرا؟ سرزمین موعود کجا؟ (بخش پایانی)

مهاجرت معکوس

علیرضا سلطانشاهی^۱

بن گوریون اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در باب ضرورت مهاجرت یهودیان جهان به سرزمین فلسطین می‌گوید:

مهاجرت به فلسطین به منزله خونی است که ادامه حیات اسرائیل را بیمه می‌کند و ضامن امنیت و آینده اسرائیل است.^۲

وی در جایی دیگر و در قبال حرکت برخی یهودیان که تنها خواستار دفن جسدشان در فلسطین هستند، بیان می‌کند که:

۱. محقق و پژوهشگر.

۲. اصغر افتخاری، جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۰، ص ۴۴.

نیاز داریم که یهودی‌ها در اسرائیل زندگی کنند. مرده آنان را نمی‌خواهیم.^۱

وی در دولت خود در همان سال‌های ابتدایی تشکیل دولت صهیونیستی قانون تابعیت را در کنست به تصویب رساند. در این قانون که در سال ۱۹۵۰ نهایی شد، به همه یهودیان طبق ماده یکم از قانون بازگشت، حق می‌دهد که به عنوان مهاجر (oleh) به فلسطین بیایند. قانون تابعیت که خود شامل تابعیت یهودی و تابعیت غیر یهودی است به چهار دسته از یهودیان حق تابعیت می‌دهد:

۱. یهودیانی که پیش از برپایی دولت به فلسطین آمده یا در آنجا متولد شده‌اند.
 ۲. یهودیانی که پس از برپایی دولت به آن سرزمین آمده‌اند.
 ۳. یهودیانی که از آن هنگام به بعد در آنجا متولد شده‌اند.
 ۴. یهودیانی که تمایل خود را جهت سکونت در فلسطین اعلام کرده و روایت مهاجرت دریافت نموده‌اند.^۲
- از سوی دیگر یهودیان جهان نیز نسبت به تشکیل رژیم صهیونیستی چهار نوع عکس‌العمل از خود بروز داده‌اند:
- نخست بخشی از یهودیان متعصب که تشکیل دولت یهودی را فقط در حیطه توانایی ماشیا می‌بینند و بر این باورند که تأسیس چنین دولتی تا هنگام ظهور منجی موعود به تأخیر خواهد افتاد. از این رو آنها دولت فعلی اسرائیل را در تعارض با تعالیم مذهب ارزیابی می‌کنند و آن را جدی نمی‌گیرند.
- دوم؛ یهودیانی که دولت اسرائیل را به عنوان سومین دولت یهودی پس از سلطنت داود و سلسله حکومت هسمونیم [یا هشمونائیم] به رسمیت می‌شناسند و رستگاری را در چارچوب تجمع یهودیان جهان در این منطقه و زیر پرچم این دولت جستجو می‌کنند.

۱. متی گولان، *اسرائیل و یهودا*، ص ۶۶.

۲. محمد ماضی، *سیاست و دیانت در اسرائیل*، ترجمه سید غلامرضا تهمانی، تهران مؤسسه اندیشه‌سازان نور،

۱۳۸۱، ص ۲۹.

سوم بخش بزرگی از یهودیان که زادگاهشان را وطن می‌بینند. بسیاری از این گروه به هر حال به خاطر وابستگی عاطفی خویش به یهودیت، از اسرائیل و دستاوردهای فرهنگی آن پشتیبانی می‌کنند، در عین حال واقعیت‌های عینی را نیز انکار نمی‌کنند و توهمی در رابطه با مهاجرت به اسرائیل ندارند. برخی از این بخش، زندگی در زادگاه خویش را برای پشتیبانی از دولت یهودی ضروری تشخیص می‌دهند یا حداقل این چنین وانمود می‌کنند.

چهارم؛ آن بخش از آن یهودیان هستند که به اختلاط و آمیزش با دیگر اقوام اعتقاد دارند و زندگی را جدا از دیگران نمی‌پسندند... در دیدگاه چهارم دولت اسرائیل دولتی است مانند صدها دولت دیگر که در عرصه سیاست جهانی از حقوق برابر با دیگر دولت‌ها برخوردار است.^۱

مخاطب این مقال از میان یهودیان مذکور، عده‌ای هستند که به دعوت صهیونیست‌ها به هر دلیل پاسخ مثبت داده و در سرزمین فلسطین ساکن شده‌اند و هم اکنون پس از گذشت نزدیک به ۶۰ سال از این اسکان نامشروع به دریافتی متفاوت از اقدام اولیه خود رسیده‌اند. این دریافت که به مذاق رهبران صهیونیسم نیز خوش نمی‌آید، موجبات

مسائل جدیدی برای صهیونیسم شده است. به عنوان مثال برای نسل قدیم اسرائیلی‌ها این پرسش مطرح بود که چگونه به اسرائیل احترام بگذارند؟ در حالی که برای نسل پس از ۱۹۷۶، سؤال این است که چرا باید به اسرائیل احترام گذاشت؟^۲

برای نسل قدیم اسرائیلی‌ها این پرسش مطرح بود که چگونه به اسرائیل احترام بگذارند؟ در حالی که برای نسل پس از ۱۹۷۶، سؤال این است که چرا باید به اسرائیل احترام گذاشت؟

این دریافت متفاوت و جدید برای مذهب‌یون صهیونیست در جای دیگر نگرانی دیگری نیز ایجاد کرده است، چنان‌که در دهه ۱۹۴۰ تنها ۷ درصد از یهودیان با اقوام دیگر ازدواج می‌کردند. در اوایل دهه ۱۹۶۰ این رقم به ۱۷ درصد و اکنون نزدیک نصف و طبق برخی نظریات حتی بیشتر شده است.^۱

آنچه نگرانی روزافزون صهیونیست‌ها را افزایش می‌دهد مهاجرت معکوس است. یعنی با تمام مخارج و تلاش آژانس یهود نزدیک به ۳ میلیون یهودی از ۱۴ میلیون یهودی موجود در جهان که به فلسطین مهاجرت کرده‌اند هم اکنون خواستار بازگشت به سرزمین‌های خود یا جایی بهتر از این سرزمین برای زندگی هستند و جالب است که این اقدام از سوی برخی کارشناسان یهودی همچون پروفیسور چارلز لیمن از دانشگاه بارایلان و برنده جایزه تحقیق در مورد یهودیان امریکا قابل سرزنش نیست. وی در این مورد می‌گوید:

مهاجرت معکوس از فلسطین اشغالی منطقی و قابل توجیه است.^۲

حتی از سیاسیون از جمله عضو کنست همچون کوهن نیز این اعتراف را می‌شنویم که



اسحاق رابین

مهاجرت از اسرائیل به ایده ارزشمند بازگشت به ارض موعود لطمه می‌زند، اما زندگی و امرار معاش مسأله‌ای است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.^۳ این عده از موافقان و توجیه‌کنندگان مهاجرت معکوس در پاسخ به اظهارات تند اسحاق رابین که مهاجران را ته‌مانده‌های جامعه اسرائیل خطاب کرده بود می‌گویند:

۱. متی گولان، همان، ص ۵۳.

۲. انتفاضه و مهاجرت معکوس، از سلسله مباحث انتفاضه و مقاومت اسلامی فلسطین، معاونت پژوهش سازمان

تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۲۷، ۲۸.

۳. همان، ص ۴۷.

۴. متی گولان، همان، ص ۶.

نیازی نیست که کسی به خاطر ترک اسرائیل شرمسار باشد، در حقیقت دولت اسرائیل باید به خاطر اینکه باعث شده جوانان، کشور را ترک کنند، شرمسار باشد. دولت اسرائیل کشور را برای تعداد زیادی از مردم تنگ ساخته است.^۱

این عده بر این اعتقادند که زندگی در اسرائیل انتخاب یک زندگی سطح پایین است^۲ و بی دلیل نیست که رشد روزافزون مهاجرت از فلسطین نگرانی صهیونیست‌ها را دو چندان کرده است. بر اساس نظرسنجی مؤسسه گالوپ آن هم در سال ۱۹۹۰ که برای روزنامه هآرتص انجام شده بود تمایل اسرائیلی‌ها برای مهاجرت از کشور خودشان حتی از کشورهای اروپای شرقی بیشتر است... در آن زمان پیش‌بینی شده بود که در سال ۲۰۰۰ بیش از ۸۰۰/۰۰۰ اسرائیلی کشورشان را ترک خواهند کرد.^۳

در یک بررسی نزدیک به این تاریخ از گزارش شموئیل لاهیس، مدیر سابق آژانس یهود، آمده است که هم اکنون (اواخر دهه ۸۰) در ایالات متحده امریکا بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار اسرائیلی زندگی می‌کنند که از اسرائیل به امریکا مهاجرت کرده‌اند.^۴ در عین حال برخی آمارهای غیر رسمی ولی قابل اعتنا حاکی از آن است که هم اکنون بیش از یک میلیون یهودی، فلسطین اشغالی را ترک کرده‌اند.^۵

دولت صهیونیستی در قبال این وضع تدابیری اندیشیده است: از جمله تصویب ۱۰۰ میلیون شیکل، معادل ۲۴ میلیون دلار، برای تشویق صهیونیست‌ها به مهاجرت به فلسطین اشغالی از سوی وزارت جذب مهاجران^۶ و یا اجرای طرح «مسا» به منظور جذب سالانه ۲۰ هزار جوان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. همان.

۲. همان، ص ۶۶.

۳. همان، ص ۶.

۴. محمد ماضی، همان، ص ۳۶.

۵. نشریه پیام فلسطین، ارگان دفتر جنبش حماس در تهران، ش ۴۷، ص ۱۲.

۶. همان، ص ۱۳.

◆

زندگی در اسرائیل انتخاب یک زندگی سطح پایین است و بی دلیل نیست که رشد روزافزون مهاجرت از فلسطین نگرانی صهیونیست‌ها را دو چندان کرده است.

یهودی جهت تحصیل در اسرائیل به مدت یک ترم با هزینه دولت اسرائیل و آژانس یهود با اختصاص سرمایه‌ای معادل ۱۰ میلیون دلار.^۱

با این اوصاف هیچ نقطه روشن و امیدبخشی در برخورد با مهاجرت معکوس ایجاد نشده است و کماکان درخواست مهاجرت از اسرائیل رو به

افزایش است. بر اساس گزارش رسمی اداره آمار وزارت کشور رژیم صهیونیستی طی سه سال اخیر یک چهارم صهیونیست‌هایی که از سال ۱۹۸۹ میلادی به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده بودند به زادگاه خود بازگشته‌اند. از این تعداد ۲۵ درصد کانادایی، ۲۲ درصد امریکایی، ۱۹ درصد آفریقای جنوبی، ۱۰ درصد انگلیسی، ۱۶ درصد فرانسوی، ۱۱ درصد امریکای جنوبی، کمتر از یک درصد فالاشه‌ها و ۶ درصد از کشورهای شوروی سابق هستند.^۲

نظرسنجی‌های به عمل آمده در خصوص سن مهاجرین معکوس حاکی از آن است که ۲۸٪ از اسرائیلی‌ها که بین ۲۵ تا ۴۴ سال دارند به فکر مهاجرت از اسرائیل می‌باشند. این در حالی است که این رقم در میان اسرائیلی‌های بین ۴۴ تا ۵۴ سال به ۸ درصد و بالای ۵۵ سال به ۲ درصد کاهش می‌یابد.^۳

در گزارش‌های تکمیلی از این مهاجرت‌ها، نشان می‌دهد که عمده مهاجرین رو به اروپا و عمدتاً امریکا دارند. طبق آمار منتشر شده در سال ۲۰۰۶، تعداد اسرائیلی تابعیت آلمانی

۱. بولتن اسرائیل، مؤسسه ندا، ش ۳ - ۲۳۵، ص ۲.

۲. انتفاضه و مهاجرت معکوس، همان، ص ۲۶، ۲۷.

۳. همان، ص ۴۲.

گرفته‌اند که نشان‌دهنده افزایش بیش از ۵۰ درصدی در مقایسه با سال ۲۰۰۵ است.^۱ بر پایه آمار دولت آلمان هم اکنون حدود ۲۰۰ هزار یهودی در این کشور زندگی می‌کنند. در حالی که جمعیت آنان پس از فرو ریختن دیوار برلین ۲۵ هزار نفر بوده است.^۲ دان سان، وکیل مدافع صهیونیست‌هایی که خواهان دریافت شناسنامه آلمانی هستند، می‌گوید این شناسنامه به مثابه دفترچه بیمه عمر برای یهودیان است.^۳

در تشریح این وضعیت ذکر یک طنز تلخ از سوی یک یهودی عاصی شنیدنی است. وی می‌گوید از دو هزار سال پیش یهودیان جهان هر شب دست‌ها را به سوی آسمان می‌بردند و در حال دعا می‌گفتند «سال دیگر در اورشلیم». امروزه و به خصوص از جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ تنها امیدی که در سینه یهودیان وجود دارد این است که دست دعا به آسمان بلند می‌کنند و می‌گویند سال آینده در نیویورک یا پاریس یا لندن یا مونیخ یا فرانکفورت، همه جا جز اورشلیم.^۴ با این وصف، پذیرش ادعای یدیعوت آحارنوت از زبان یک جوان اسرائیلی که می‌گوید می‌خواهم گذرنامه اروپایی داشته باشم،^۵ سخت نیست.

◆ مهاجرت معکوس یهودیان ایرانی

چند گزارش از ساواک در آن زمان که رژیم پهلوی تسهیلات خاصی جهت مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین ایجاد کرده بود نمایانگر تشابه خواست یهودیان ایرانی با سایر یهودیان است. در یکی از این گزارش‌ها آمده است: «از یکصد و بیست هزار یهودی ایرانی و ایرانی‌الاصل مقیم اسرائیل در حدود یک هزار خانواده هنوز تابعیت ایرانی خود را حفظ کرده و

۱. کیهان، ۸۶/۷/۱۶.

۲. همان.

۳. کیهان، ۸۱/۵/۱۵.

۴. سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۱، ص ۴۹۴.

۵. ایرنا، ۸۶/۶/۱۷.

سالانه برای تمدید و یا تجدید گذرنامه خود به کنسولگری نمایندگی سیاسی شاهنشاهی مراجعه می‌کنند. در میان ایرانی‌های مقیم اسرائیل نارضایتی‌هایی بر اثر موانعی که برای بازگشت آنها به ایران وجود دارد موجود است... اکثریت قریب به اتفاق ایرانی‌های مقیم اسرائیل مایل‌اند بتوانند تابعیت قبلی خود را به دست آورده و به ایران مراجعت کنند.^۱ گزارش دیگری از ساواک ادعا می‌کند که پاسپورت و مدارک یهودیان ایرانی به هنگام پذیرش در فرودگاه تل‌آویو اخذ می‌شود که استفاده مجدد جهت بازگشت نشود.^۲ گزارش‌های ساواک از مهاجرت معکوس یهودیان ایران مفصل و متعدد است. به گونه‌ای که نشان‌دهنده توجه ویژه آنان به این امر است. از جمله اینکه در یکی از گزارش‌ها آمده است که

«مدتی است جدا مهاجرت یهودیان ایرانی به علت وخیم بودن اوضاع اقتصادی و غیره به اسرائیل بسیار کم شده و بر عکس دسته دسته یهودیان ایرانی مهاجر که هنوز ۵ سال تمام در اسرائیل به سر نبرده‌اند به تهران (ایران) مراجعت می‌نمایند و اغلب با سرمایه در تهران مشغول خرید و فروش زمین می‌باشند.»^۳

مصادیق بارزی از این شیوه عملکرد یهودیان مهاجر را می‌توان در زندگی برخی سینه‌چاکان صهیونیسم در ایران از جمله حبیب لوی نیز شاهد بود که در عین عشق مفرط به رژیم صهیونیستی،



حبیب لوی در آخرین سال‌های عمر

۱. سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، همان، ص ۵۰۱.
۲. همان، ۴۹۶.
۳. همان، ص ۴۹۹.

برای زندگی در آنجا دوام نیاورد و به ایران بازگشت و پس از وقوع انقلاب اسلامی نیز به امریکا گریخت و علی‌رغم توصیه مؤکد بن‌گوریون تنها جسدش به اورشلیم رسید. گویی این رژیم لیاقت پذیرش تنها اجساد یهودیان را دارد و یا حکومت صهیونیستی حاکمیت بر مردگان است.

◆ چرا مهاجرت معکوس؟

با این مرور مختصر از وسعت مهاجرت معکوس و فراگیری آن در جامعه صهیونیستی، وقت آن رسیده است که دلیل این اقدام از سوی یهودیان مورد توجه قرار گیرد. متی گولان در کتاب خود که مناظره‌ای با الی ویزل است، به گونه‌ای واقع‌گرایانه بیان می‌کند که:

هیچ آدم عاقلی تورنتو را برای رفتن به اسرائیل ترک نمی‌کند مگر کسی که بازنشسته باشد، درآمد مناسبی داشته، بتواند برای خود یک ملک یا سهم مشاع با منظره بخش (شهر) قدیمی و مزرعه‌ای برای خودش در کوه زیتون بخرد و البته بی‌اینکه مجبور به رها کردن خانه‌های دیگر خود در تورنتو و میامی باشد. چند ماه در اینجا و چند ماه در آنجا بگذراند.^۱

نکته اصلی از این بیان گولان آن است که رژیم صهیونیستی جایی برای زندگی نیست. حداقل می‌توان مدت کوتاهی در آن اقامت داشت. در ادامه باید دلیل این نامساعد بودن زندگی را در بیان عاموس ساهر در مقاله‌اش در هآرتص مرور کرد که می‌گوید:

من نیز نسل هشتم این کشور هستم به رغم اینکه از نظر اصل و نسب ریشه عمیقی بین یهودیان الخلیل دارم، یهودیانی که وقایع و کشتارهای چندین دهه را به چشم خود دیده و در شهر قدیمی بیت‌المقدس و در منطقه قدیمی یهودی‌نشین صفد زندگی کرده‌اند، اما با این وجود راه مهاجرت را برگزیده‌ام. زیرا خسته شده‌ام، زندگی برای من مهم‌تر از آن

۱. متی گولان، همان، ص ۶۵.

است که فلسطینی‌ها آن را به جهنم بکشانند.

از سوی دیگر حماقت است که مرگی را انتخاب کنم که ثمره‌ای نداشته و اهداف مورد نظر ما را تحقق نبخشند و ما را سعادت‌مند نگردانند. نمی‌توان کودکان و فرزندان را در معرض خطر قرار داد. به این خیال که روزی اهدافمان محقق گردد و سعادت‌مند شویم. سعادت توسط مرگ به دست نخواهد آمد. ما نمی‌توانیم آینده را به خدمت گذشته در آوریم. ما خواهان زنده بودن هستیم.^۱

از سوی دیگر سالای مریدور، و رئیس

آژانس یهود، نیز به این نکته اعتراف

می‌کند که بسیاری از افرادی که از

مهاجرت به اسرائیل انصراف داده‌اند،

افرادی هستند که ترس از عملیات

استشهادی را دلیل انصراف خویش ذکر

کرده‌اند. او ضمن آنکه کاهش مهاجرت را

به اسرائیل نگران کننده می‌نامد، یکی از

دلایل این امر را انتفاضه دانست.^۲ چنان‌که

میانگین مهاجرت یهودیان از سال ۱۹۹۱،

۷۴ هزار نفر بود ولی از سال ۲۰۰۱ با

شروع و اوج‌گیری انتفاضه اوضاع

دگرگون شد و به ۶۰ هزار نفر رسید. این

رقم در سال ۲۰۰۲ به ۴۳ هزار نفر و در

یک طنز تلخ از سوی یک یهودی: از دو هزار سال پیش یهودیان جهان هر شب دست‌ها را به سوی آسمان می‌بردند و در حال دعا می‌گفتند «سال دیگر در اورشلیم.» امروزه و به خصوص از جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ تنها امیدی که در سینه یهودیان وجود دارد این است که دست دعا به آسمان بلند می‌کنند و می‌گویند سال آینده در نیویورک یا پاریس یا لندن یا مونیخ یا فرانکفورت، همه جا جز اورشلیم.

۱. انتفاضه و مهاجرت معکوس، همان، ص ۲۹، ۳۰.

۲. همان، ص ۴۹.

سال ۲۰۰۳ به ۳۳ هزار نفر و در سال ۲۰۰۴ به ۲۱ هزار نفر رسید.^۱

در واقع طبق آمار ۲۷ درصد از یهودیانی که خواهان مهاجرت از اسرائیل بوده‌اند در کنار سایر عوامل، ترس از عملیات شهادت‌طلبانه را عامل اصلی مهاجرت خویش قلمداد کرده‌اند^۲ و این به معنای اهمیت و ضرورت امنیت برای یک یهودی است.

ایهود باراک در این مورد می‌گوید:

ما بهای سنگینی را برای حضور در این سرزمین پرداخته‌ایم... امروز تمامی کشورهای جهان در امنیت به سر می‌برند، ولی ما شصت سال است که به دنبال جایگاهی امن برای کودکان خود هستیم.^۳

در واقع یهودیان داشتن امنیت را به هر نیاز دیگری ترجیح می‌دهند و حاضر هم هستند که برای دستیابی به آن هزینه بالایی را نیز بپردازند؛ چرا که در پرتو امنیت است که می‌خواهند رفاه دنیوی را برای خود فراهم نمایند و به همین دلیل در صورت عدم دستیابی به آن مهاجرت را به اقامت ترجیح می‌دهند. هم اکنون بر اساس یک نظرسنجی از سوی روزنامه

رئیس آژانس یهود، نیز به این نکته اعتراف می‌کند که بسیاری از افرادی که از مهاجرت به اسرائیل انصراف داده‌اند، افرادی هستند که ترس از عملیات استشهادی را دلیل انصراف خویش ذکر کرده‌اند.

معارفو آشکار شده است که ۷۲ درصد از صهیونیست‌ها از وضعیت امنیتی خود ناراضی هستند و حتی نسبت به موجودیت اسرائیل در آینده‌ای دور تردید دارند.^۴

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. هفته‌نامه صبح صادق، ش ۲۶، ۲۱۸، شهریور ۱۳۸۶، ص ۳.

۴. مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، سایت متعلق به حماس، ۸۶/۶/۱۷.

عامل اصلی دیگری که باعث گسترش مهاجرت معکوس در میان یهودیان ساکن رژیم صهیونیستی شده است، اقتصادی نبودن حضور آنها در این سرزمین است. در واقع این رژیم صرفه اقتصادی مناسبی برای یهودیان ندارد.

و اگر این عامل برای سایر اقوام و ملل مهم باشد برای یهودیانی که همواره به دنبال منافع اقتصادی هستند، یک امر حیاتی است و جالب اینکه با این اوصاف طی گزارش مؤسسه بیمه ملی رژیم صهیونیستی، ۱/۶۰۰/۰۰۰ اسرائیلی در سال ۲۰۰۶ زیر خط فقر بوده‌اند^۱ و این به معنای هموار شدن مسیر مهاجرت معکوس برای یک یهودی است.

و طبیعی است که با وارد آمدن ۵ میلیارد دلار خسارت به اقتصاد این رژیم در پی انتفاضه و افزایش بیکاری ۱۱ درصدی و تعطیلی ۱۰۰ کارخانه به صورت دائم و ۳۰۰ کارخانه به طور موقت و اعلام قریب‌الوقوع ورشکستگی ۷۵ هزار شرکت اسرائیلی و کاهش ۳۹ درصد درآمد حاصل از توریسم، دیگر دلیلی برای ماندن در این رژیم نباشد.^۲

در این میان نخبگان علمی، اقتصادی و سیاسی در صدر مهاجرین معکوس هستند. به عنوان مثال یک استادیار دانشگاه در اسرائیل ماهانه کمتر از ۲۰۰۰ دلار دریافت می‌کند. در حالی که همین شخص در خارج می‌تواند ماهانه ۵۰۰۰ دلار درآمد داشته باشد.^۳ از سوی دیگر در میان مهاجران یهودی که اسرائیل را ترک گفته‌اند، نام ۲۵ هزار دانشمند نیز دیده می‌شود. این دانشمندان که در زمینه صنعت فعالیت می‌کردند رهسپار امریکا شده‌اند. در همین خصوص شرکا بروش، رئیس اتحادیه صنعتگران صهیونیست، به دولت اولمرت در خصوص فرار مغزها هشدار داده و گفته است با خروج این دانشمندان و متخصصان، زیانی بالغ بر ۶/۱ میلیارد دلار به اسرائیل وارد آمده است؛ چرا که این افراد با حضور خود در حدود صد هزار فرصت شغلی ایجاد کرده بودند و کالاهایی را تولید می‌کردند که صادرات آنها ده‌ها میلیارد دلار سود برای

۱. قدسنا، ۸۶/۶/۱۴.

۲. انتفاضه و مهاجرت معکوس، همان، ص ۲۴.

۳. همان، ص ۵۷، ۵۸.

تل آویو به دنبال داشت.^۱ وی در ادامه می‌افزاید تا سال ۲۰۰۶ بیست و پنج هزار پژوهشگر و دانشمند اسرائیلی راهی امریکا شده‌اند که باید به این تعداد افراد دیگری را نیز اضافه نمود که کشوری را غیر از امریکا انتخاب کرده‌اند.^۲

در عین حال یهودیان خود دلایل مهاجرت را از اسرائیل این‌گونه بیان می‌کنند:

در میان مهاجران یهودی که اسرائیل را ترک گفته‌اند، نام ۲۵ هزار دانشمند نیز دیده می‌شود. این دانشمندان که در زمینه صنعت فعالیت می‌کردند رهسپار امریکا شده‌اند.

۱. عدم تحقق وعده‌های رژیم صهیونیستی در مورد اسکان در ارض موعود.

۲. عدم برخورداری از رفاه حداقل در سطح کشور قبلی.

۳. اقتصاد نابسامان رژیم صهیونیستی.

۴. سیستم تبعیض‌آمیز در ساختار اجتماعی اسرائیل.^۳



دو عامل مرتبط با هم از جمله انتفاضه و تأثیر آن بر اقتصاد رژیم صهیونیستی هم اکنون به عنوان مهم‌ترین دلایل مهاجرت معکوس در رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود که پس از ۶۰ سال هنوز راهکاری برای حل آن طرح نشده است.

و چون اساس و پایه تشکیل این رژیم از همان ابتدا بر اصول ناصحیح و غیر منطقی بنا شده است امکان حل این مشکلات نیز غیر محتمل است و بسیار بجاست که نتیجه و ختم این مقاله با

۱. نشریه پیام فلسطین، ارگان دفتر جنبش حماس در تهران، ش ۴۷، ص ۱۲.

۲. همان.

۳. انتفاضه و مهاجرت معکوس، همان، ص ۲۸.

اعتراف گولان به عنوان یک خبرنگار یهودی در اسرائیل همراه شود. وی در یک گفتگوی صریح با یک صهیونیست منفعت‌طلب و ساکن امریکا همچون الی ویزل می‌گوید:

آنچه اشغال‌گری برای ما به ارمغان آورد، چیزی است که اساس زندگی ما را تهدید به وارد آوردن آسیب جبران‌ناپذیر می‌کند و آن هنگامی است که ما را به جامعه‌ای بی‌رحم و بی‌عاطفه تبدیل می‌کند. من علاقه ندارم که به چنین جامعه‌ای متعلق باشم.^۱

در واقع بحث مهاجرت و جمعیت مهم‌ترین بحث در بررسی‌های آسیب‌شناسی رژیم صهیونیستی است که خود را به آن بی‌توجه نشان می‌دهند ولی بسیار از آن هراسان و نگران هستند. گویی نقطه افول و هزیمت و فروپاشی اسرائیل را در آن می‌بینند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی